



مثلا وزارت صنعت  
آمد یک سازمان  
گسترش و نوسازی  
درست کرد بعد  
آمد یک صنایع  
فلان درست کرد  
همه این کارها  
را معاونت آنجا  
کردند و خودشان  
هم گفتند در  
یک صنعتی ۱۰۰  
میلیون دلار ما  
نیست شد رفت.  
ولی اصلا کل  
بودجه معاونت  
۱۰۰ میلیون دلار  
نبوده است. این  
تجربه بزرگتر از  
زیست است این  
ارزشمندتر است  
همین بود که  
یک وقتی وزارت  
علوم زور زد که  
شرکتها را ببرد  
در وزات علوم  
و مقام معظم  
رهبری جلویش را  
گرفت

حوزه کسب ثروت خوبی می‌کنیم فناوری هم بلد بودند جسارت هم کردند که وارد این حوزه بشوند واقعا هم حالا شما ترکیه را مقایسه می‌کنید زمان فروپاشی شوروی من می‌دیدم که آقای دکتر زالی رفت از روسیه بیوتکنولوژی بیست آورد در پاسطور که یاد ما بدهد این نوترکیب و اینها یعنی چی. آنها با ما می‌آیند دلار آمدند ایستادند و فناوری به ما یاد دادند که به هر حال چطور باید کار زیست فناوری کرد آنها برای جنگ های میکروبی و اینها این آمادگی‌ها را داشتند ولی من یادم است که با وزیر رفتم روسیه و وزیر بهداشت روسیه می‌گفت من از شما زیست فناوری می‌خواهم چون داروی زیستی ایران به اسم سینووکس مال شرکت سیناژن جای داروی آنوکس امریکایی گرفته بود در روسیه دیدند که داشتن فناوری منجر به تولید نمی‌شود آنها فناوری داشتند ولی واردکننده شدند از ایرانی که خودشان یک وقتی آمدند آموزش دادند بهش. خوب مدیریت شد یک بخشی اش هم داشتن چیزی به اسم سازمان غذا و دارو در وزارتخانه ای که وزیرش هم محصول تولید بود هم محصول تحقیق بود هم محصول آموزش بود.

آدم با یک وزیر می‌نشست کارش حل بود یعنی مادر وزارت بهداشت هیچ کاری به وزیر صنعت نداشتیم. الان هم هیچ کاری به وزیر صنایع نداریم. ولی من وقتی رفتم روسیه نگاه کردم دیدم که وزیر صنعت باید بیاید استاندارد بیاید بازگانی بیاید بهداشت باید تا ما به نتیجه برسیم. در ترکیه هم همین است تصمیم‌گیری دست یکی نیست. مدیریت متمرکز باعث شد که سریع تصمیم بگیرند و من یادم است به سیناژن گفته بودم فاکتور ۷ بساز. یک دفعه کل نیاز کشور را سازمان غذا و دارو با پول نقد از سیناژن خرید این معادل بود با کل هزینه تولیدش در آن سال. اگر این فرهیختگی نبود که کار به نتیجه نمی‌رسید یعنی یک مجموعه مدیریتی با هم کار کردند تا یکی بستر سازی کرد یکی حمایت کرد یکی فناوری را آورد یکی جسارت کرد و الان می‌بینید حالا به هر حال ترکیه ممکن است یک چالش‌هایی داشته باشد ولی عربستان که مطیع ۱۰۰ درصد امریکا است ۳۰ میلیون جمعیت دارد یک دارو به عمرش نمی‌تواند تولید کند.

در برجام وقتی نشستند امضا کردند که کار چطور پیش برود تجهیزات زیستی را که تا آن روز ما می‌توانستیم از فرانسه بخریم از آلمان بخریم گفتند تجهیزات زیستی را اگر ایران خواست بخرد باید هر ۵ کشور رضایت بدهند؛ بنابراین یک لیستی درست کردند و در این لیست تمام تجهیزات زیستی را آوردند خوب ما نگاه می‌کنیم می‌بینیم در ایران تولید تجهیزات زیستی شد و اگر قرار بود ما وارد کنیم که نمی‌شد این را بهش می‌گویند کسی که از درون رشد کرد یعنی کسی نمی‌تواند الان از ما بگیرد کسی نمی‌تواند ما را تحریم کند. می‌بینند همه این تحریم‌ها منجر به تولید شد؛ و اینها زمانی فهمیدند که معاون تجاری سازمان بهداشت جهانی آمد ایران. من آن روز شدیداً معترض شدم که چرا در این تحریم‌ها شما و اکسن به ما ندادید؟ چرا این

چنین کردید؟ مدام چرا چرا گفتیم که این نامردی است. به من گفت که من خیلی تعجب می‌کنم من رفتم چند جلد کشور شما فناوری-های زیستی را دیدم اینهایی که شما دارید کشورهای اروپایی ندارند شما چیزی کم ندارید که از کسی بخواهید فقط بلد نیستید صادر کنید اگر نه وضعیتان خیلی خوب می‌شد این نشان میداد که ناظران که می‌آمدند می‌دیدند چیز دیگری برداشت می‌کردند این جسارت باعث شده که ما از آنکتاد که وابسته به سازمان ملل است بگوییم توبیا ما را از یابی کنی ارز یابی آنها نشان داد مادر غرب آسیا اول هستیم نشان داد بین ۵ کشور اول آسیا. آنها گفتند شما در این مقام قرار دارید. ارز یابی‌هایشان هم خوب با معیارهای بین‌المللی بود اگر این تجربه مدیریت واحد کشتش بازار یک به قول معروف ایجاد انگیزه حمایت در هر یک از این وزارت‌خانهها با مدلی که در این زیست فناوری شکل دارد بخوبی بدهد به ۷-۸ سال نمی‌کشد که این کشور را به ترازهای بین‌المللی می‌رسانیم مثلاً در نفت هم یکی بود چنین کاری می‌کرد. یکی بود در حوزه خودرو هم مثلاً چنین کاری می‌کرد در اقتصادهای بزرگ ورود می‌کردند و چنین کاری می‌کردند قطعاً ما کشور دیگری بودیم.

« پس شما معتقد هستید می‌شود این مدلی که مادر زیست فناوری داریم را به حوزه‌های دیگر هم سرایت داد و آنها را هم رو به جلو برد؟

خب ما این کار را کردیم و در دامپزشکی ورود کردیم دیگر بالاخره الان بیشترین وقتان را داریم به آنها می‌دهیم به تدریج

